

یاد ایام جوانی

(گرداب توهم یک عضو)

حسن پویان



تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سه‌راه ظالقانی.

خیابان نیرو، شماره ۷/۱

صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۸۹۴، تلفن: ۷۷۵۲۹۹۰۷

یاد ایام جوانی

(گرداب توهم یک عضو)

خاطرات حسن پویان

● چاپ اول ۱۳۸۵ تهران ● شمارگان ۱۵۰۰ نسخه

● چاپ: غزال ● صحافی: نبوت

● لیتوگرافی: خدمات فرهنگی صبا ● طرح روی جلد: حسن کریمزاده

شابک: ۹۶۴-۷۳۸۷-۵۸-x ISBN 964-7387-58-x

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است Printed In Iran

پویان، حسن

یاد ایام جوانی - نویسنده: حسن پویان - تهران: گام نو، ۱۳۸۴.

ISBN 964-7387-58-x

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. پویان، حسن - خاطرات. ۲. پویان، حسن - سرگذشتنامه. ۳. ایران -

پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷ - جنبشها و قیامها. ۴.

حزب توده ایران. الف. عنوان.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲

DSR ۱۵۲۸/۵/۹۳/۳

۱۳۸۴

۱۶۴۷۹-۸۴

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

چند یادآوری.....	۷
یادی از امیرپرویز پویان.....	۹
جنگل بی درخت؟.....	۱۹
میهمانی بدفرجام، دهکده حسین آباد، مش اسماعیل، مندوسین، میرزا و دیگران.....	۲۱
منصور «ر»، اوس اکبر، اصغر آرسف، افشار، آغاز پایان.....	۳۹
سبزیان، سبزوار، مکاشفات خام و تلخ، شب در قهوه‌خانه‌ی سکینه.....	۵۹
حرکت به سمت مشهد، آسان رسیدن، در خانه، در انتظار بازداشتی که زود اتفاق افتاد	
در آگاهی مشهد، دادگاه نظامی، محکومیت.....	۱۰۱
در سالن مستقل زندانیان سیاسی.....	۱۲۳
کمون.....	۱۴۷
زبان‌آموزی.....	۱۵۱
بازرسی‌های سرزده.....	۱۵۵
داستان قرآن.....	۱۵۷
دوباره زبان‌آموزی.....	۱۶۱
بهترین دوران زندگی ما.....	۱۶۳
قضیه‌ی یک آبگوشت استثنایی.....	۱۶۵

آخرین تازه‌واردها.....	۱۷۹
مامد و عاقبت کارش.....	۱۹۵
روز زنبور.....	۲۰۱
اعتصاب غذا و ماست شیرین.....	۲۰۵
موج تفرنامه.....	۲۰۹
رئیس جدید زندان.....	۲۱۹
مردی که دیوانه شد.....	۲۲۳
بایکوت.....	۲۲۵
باز هم ته‌مانده‌ی خاطرات.....	۲۴۱
قضیه‌ی انحراف جنسی.....	۲۴۳
احمد «ر».....	۲۵۵
ممتاز و قد غول‌آسایی که بعداً پیدا کرد.....	۲۶۳
امامعلی.....	۲۶۷
ایرج «ش».....	۲۷۵
مرتضی «م».....	۲۸۱
مردی که می‌گفتند جاسوس شوروی است.....	۲۸۹
طعم منحصر به فرد یک پایانِ شگرف.....	۲۹۷

چند یادآوری

کسانی که نام فامیل آنها در کتاب ذکر شده، بنابر پرس وجوهایی که در طول تقریباً یک سال انجام داده‌ام، اکثر قریب به اتفاق‌شان دارفانی را وداع گفته‌اند. معدودی از آنها نیز در خارج از ایران به سر می‌برند.

دوباره‌ی وجود، و حتی وفور کلمات «لاتی» در کتاب، توضیحی لازم است. می‌توانم یقین داشته باشم که در صورت خودداری از آوردن این کلمات، معرفی چهره و شخصیت بسیاری از افراد به‌طور ساده غیرممکن می‌بود. فقط بجا می‌دانم اضافه کنم که رواج استعمال کلمات «زشت» در بین محصلین دبیرستانی بیست ساله به بالا و دانشجویان دانشگاه‌ها به میزان فاحشی بیشتر بود، تا در بین اشخاص «درس‌نخوانده» — از جمله کارگران کارخانه‌ی نخ‌ریسی مشهد — که تعدادشان تقریباً به ده نفر می‌رسید.

با تصریح دوباره‌ی این نکته که محصلین دبیرستانی، و پس از آنها، دانشجویان، بیشترین مصرف‌کنندگان کلمات رکیک «دوستانه» بودند، نمی‌دانم دریافت توضیحات «علمی» را در این باره باید از چه کسانی انتظار داشت: روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، زبان‌شناسان، کارشناسان آموزش و پرورش...؟

بیش از نیم قرن پیش، کتاب بسیار کوچکی را خصوصاً در دهکده‌های کتاب‌فروشی کنار پیاده‌رو جنوبی خیابان شاه (جمهوری کنونی) می‌فروختند که عنوانش کلمات رکیک (Les gros mots) بود و نویسنده‌اش هائری باربوس نام داشت. نام مترجم آن را فراموش کرده‌ام. باربوس نظریه‌ای شبیه به اباحه‌ی

مشروط استعمال کلمات رکیک داشت، ولی حق این کار را متعلق به فرانسویان و هم‌چنین ملل دیگری که ارتش آلمان هیتلری ممالک آنها را اشغال کرده بود می‌دانست. با این حال، شاید در آن کتاب، برخی از توضیحات مورد توقع ما نیز وجود داشته باشد.